

مردم سودان

زیر باران گلوله‌ی ژنرال‌ها



نوشته: فردریک لیندیو- 21 آوریل 2023

ترجمه و توضیحات: سارا طاهری

منبع: [Sudan - folket i skottgluggen under generalernas krig \(clarte.se\)](#)

توضیحاتی درباره‌ی وضعیت اقتصادی سیاسی سودان

مردم سودان در دسامبر 2018 به دلیل گرانی نان و وضعیت سخت اقتصادی به اعتراضات توده‌ای وسیعی دست زدند. این تظاهرات بیش از چهار ماه ادامه داشت. پاسخ دولت به نارضایتی اقتصادی در سال‌های متمادی، بی‌عدالتی‌های تاریخی همراه با خشونت بود. در آوریل 2019، اعتراضات به صورت تحصن در اطراف مقر نظامی در 14 شهر سودان، از جمله پایتخت (خارطوم) شکل گرفت.

در 28 و 29 می 2019، کارگران اعتصاب سیاسی سراسری را علیه رژیم نظامی آغاز کردند. اعتصابیون و تظاهرکنندگان خواستار حکومت غیرنظامی بودند. در این دوره بود که قدرت و سرسختی انقلابیون برای جامعه آشکار گردید. تهدیدهای ارتش هیچ تأثیری بر آن‌ها نداشت. یکی از مصادیق بارز این نیرو، بنرهای «اخراج کن» بود که مخاطب آن محمد حمدان داغلو (همتی)، رهبر شبه نظامیان «نیروهای پشتیبانی سریع» (RSF) بود. او در یکی از سخنرانی‌هایش کارگران معترض را تهدید کرده بود که در صورت اقدام به اعتصاب اخراج خواهند شد و اعلام نموده بود که جای خالی کارگران اخراجی را با سربازان خود پُر می‌کند. وقتی تهدیدها به واقعیت تبدیل شد، انرژی انقلابی نیز افزایش بیشتری پیدا کرد.

به دنبال دستگیری کارگران شرکت ملی برق (NEC)، اتحادیه‌ها بیانیه‌ای صادر کردند که در آن تهدید کرده بودند که برق تمام ساختمان‌های نظامی و نهادهای وابسته به آن‌ها را قطع می‌کنند. همین امر باعث شد که تمام همکاران آن‌ها بلافاصله آزاد شدند.

در مواجهه با این نیروی انقلابی، ارتش دست به‌خشونت شدید زد. قتل‌عام 3 ژوئن 2019 منجر به‌خاتمه‌ی هم‌زمان هر 14 تحصن شد. بیش از 100 نفر از معترضین توسط ارتش کشته شدند. بسیاری از اجساد قربانیان به‌آجر بسته شد و به‌رود نیل انداخته شد. ده‌ها نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. امروز نیز صدها نفر ناپدید هستند.

اما کمتر از یک ماه پس از قتل‌عام و با قطع کامل اینترنت، تظاهراتی با یک میلیون شرکت‌کننده علیه ارتش سازمان یافت و این نشان می‌داد که مردم سودان هنوز در امر پایان دادن به‌حکومت نظامی مصمم‌اند.

اما ظرف دو ماه پس از کشتار ژوئن 2019، رهبر اپوزیسیون توافق‌نامه‌ای را امضا کرد که براساس آن ارتش در قدرت سهیم می‌شد. این چرخش وقایع توسط نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته بود. نیروهایی که هدفشان پاداش به‌ارتش از طریق تقسیم قدرت با آن بود. این توافق‌نامه نیز توسط رهبری اپوزیسیون در ائتلافی به‌نام «نیروهای آزادی و تغییر» (FFC) سازماندهی شد که عمدتاً متشکل از احزاب سیاسی بود.

FFC از این ایده‌ی به‌اصطلاح واقع‌بینانه حمایت می‌کرد که این تنها راه برای توقف خونریزی است. معهدا مردم معترض نمی‌توانستند بپذیرند که این توافق‌نامه آزادی‌خواهی انقلابی را محقق خواهد کرد. به‌طور کلی، معترضین بر این باور بودند که برای برقراری صلح و عدالت، لازم است که قدرت ارتش به‌حد اقل برسد، رهبران آن به‌خاطر اعمال جنایت علیه ملت مؤاخذه شوند، و کنترل نظامی بر شهروندان سودان پایان یابد؛ و دارایی‌های کشور و مجتمع‌های [صنعتی بزرگ از کنترل ارتش بیرون بیاید و تحت کنترل وزارت دارایی قرار بگیرد. به‌هر روی، غیرنظامی‌های حاضر در دولت نتوانستند به‌عهده‌های خود در مقابل معترضان عمل کنند و برای مشروعیت بخشید به‌خویش به‌حمایت صندوق بین‌المللی پول پناه بردند.

با این حال، کلپ پاریس (متشکل از کشورهای ثروتمند طلب‌کار) در جهت کاهش بدهی، مبلغ اندکی برای کمک ارائه کردند که این کمک نیز ملزم به‌اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی، از جمله کاهش ارزش پول بود. به‌دنبال این مسئله یارانه‌ی کالا‌های اساسی لغو شد و پروژه‌های خصوصی‌سازی به‌سرعت جنبه‌ی اجرایی پیدا کردند. بنابراین، سیاست اقتصادی دولت جدید از سیاست قبلی خود قابل تشخیص نبود. ولی حامیان این دولت اعتراض علیه این سیاست‌ها را به‌عنوان اقدامات ناتوان‌کننده محکوم می‌کردند.

«گذار به‌دموکراسی»

دولت‌های غرب از نخست‌وزیر جدید (عبدالله) با ظاهری تکنوکراتیک، راضی بودند که سیاست‌های‌شان پیش خواهد رفت. او قبلاً برای سازمان ملل کار کرده بود و اکنون سیاست‌هایی را اجرا می‌کرد که دولت‌های غربی ترجیح می‌دادند، یعنی راه را برای سرمایه‌گذاری با سودهای نجومی هموار می‌کرد. این سیاست‌ها منجر به‌تورم بسیار بالا و افزایش بیش از 300 درصدی هزینه‌ی زندگی شد. سران کودتای اخیر از این وضعیت اقتصادی سوءاستفاده کردند و مانورهای خود را با شکست رهبران «غیرنظامی» توجیه نمودند. احتمالاً ارتش و شبه‌نظامی‌های متحد آن ناامیدی شدید مردم از این وضعیت را نشانه‌ای از شانس موفقیت خود در کودتا می‌دانستند.

برآورد صندوق بین‌المللی پول از وضعیت اقتصادی سودان

رشد واقعی تولید ناخالص داخلی تنها 0.3 درصد برآورد شده است. این در صورتی است که تورم در سال 2022، 245.1 درصد بود. میانگین قیمت غلات و ارزن به‌ترتیب 150 و 250 درصد نسبت به‌سال 2021 و طی 5 سال گذشته 550 و 650 درصد افزایش داشته است.

برق، سوخت، غذا و سایر کالاهای اساسی عواقب چشمگیری برای فقیرترین بخش این کشور در برداشت. همان‌طور که در گزارش سازمان ملل آمده است: برآورد می‌شود که تقریباً یک چهارم جمعیت در وضعیت گرسنگی حاد قرار بگیرند. همچنین برآورد می‌شود که در بازه‌ی زمانی ژوئن تا سپتامبر تعداد جمعیت آسیب‌پذیر (با افزایش 2 میلیونی) به 11.7 میلیون نفر برسد که وضعیت 3.1 میلیون آن‌ها در وضعیت بحرانی قرار خواهد داشت.

سودان مرکز منافع ژئوپلیتیکی

کودتاپیان از این واقعیت سود می‌برند که بخش بزرگی از کشورهای منطقه‌ی رابطه‌ای مداراگرانه با آن‌ها دارند. کودتاپیان با آگاهی از این وضعیت، دست خویش را برای مانورهایشان آزاد می‌بینند. دو روز قبل از کودتا، برهان به‌مصر سفر کرد. به‌این‌ترتیب بود که از همسایه قدرتمندش چراغ سبز گرفت. به‌لحاظ تاریخی ارتش سودان و مصر از زمانی که سودان مستعمره انگلیس بود، روابط بسیار نزدیکی داشته‌اند. مصر در مناقشه‌ی خود با اتیوپی در مورد استفاده از آب نیل در ساخت و ساز سد بزرگ رنسانس به‌سودان به‌عنوان متحد خویش نیازمند است. ضمناً اختلافاتی بین سودان و اتیوپی وجود دارد که موضوع آن زمین‌های حاصل‌خیز در منطقه‌ی الفشقا است.

با وجود محکومیت کودتا از سوی عربستان و امارات، اما این دو کشور نسبت به‌یک قدرت مرکزی قوی و مستبد در سودان که منشأ ثبات باشد، نظر منفی ندارند. به‌هرروی، مسئله‌ی مهم برای این دو کشور پادشاهی در خلیج فارس استفاده از وضعیت موجود سودان به‌نفع خودشان است. برای مثال، در جنگ بین عربستان و یمن، استفاده از نیروهای RSF علیه حوثی‌ها در یمن.

از سوی دیگر، روسیه با احیای یک توافق به‌اصطلاح اصولی می‌کوشد مواضع و منافع خود را پیش ببرد. برای مثال، توافقی که در زمان البشیر برای ایجاد یک پایگاه نظامی در بندر سودان به‌دلیل موقعیت استراتژیک port Sudan حاصل شد. از نظر روسیه، بندر سودان یک موقعیت مرکزی در وسط دریای سرخ است، یک کریدور استراتژیک که دریای مدیترانه را از طریق کانال سوئز و تنگه باب‌المندب به‌اقیانوس هند متصل می‌کند. کریدوری که 12 درصد از تجارت جهانی از آن عبور می‌کند و رابط بین آفریقا و خاورمیانه است. علاوه بر این، گروه واکتر از سال 2017 در سودان حضور داشته و معادن طلا را با کمک دولت مستقر اداره می‌کرد. به‌طورکلی، روسیه از حکومت نظامی حمایت دیپلماتیک می‌کند.

در مورد کشورهای غربی، آن‌ها سعی می‌کنند منافع خود را از طریق مجاری دیپلماتیک تأمین کنند. به‌همین دلیل با ارتش ارتباط برقرار می‌کنند که بازگشت به‌وضعیت قبلی را ممکن سازند.

مردم سودان

در زیر باران گلوله‌ی ژنرال‌ها

در 15 آوریل 2023، درگیری در خارطوم (پایتخت سودان) شروع شد، و سپس به‌سایر نقاط کشور گسترش یافت. جمعیت غیرنظامی ناگهان در معرض شلیک گلوله‌های نیروهای دو ژنرال قرار گرفتند. فردریک لیندبلو، عضو تحریریه کلارته، در 19 آوریل با سخن‌گوی حزب کمونیست سودان (فتحی فاضل) در خارطوم که جنگ شدیدی در جریان است، مکالمه‌ای داشته که ترجمه آن در زیر می‌آید.

آیا می‌توانید در زمینه و موقعیت آن‌چه در حال حاضر در سودان جاری است، تصویری ارائه دهید؟
آنچه ما اکنون می‌بینیم درگیری نظامی فاجعه‌باری است که بین دو ژنرال به‌نام‌های محمد حمدان داگالو در «نیروهای پشتیبانی سریع» (RSF) و عبدالفتاح البرهان (نماینده رهبری نیروی‌های مسلح سودان - SAF) در جریان است.

مهمترین نکته‌ای که باید بدانید این است که مردم و کشور سودان در این‌گونه جنگ‌ها، به‌جز تحمل فاجعه، هیچ‌گونه نفعی ندارند؛ و هیچ فرقی هم نمی‌کند که کدامیک از این دو ژنرال جنگ‌طلب بر دیگری پیروز شود.

باید تأکید کنم که علت اصلی درگیری نظامی نیروهای تحت امر این دو ژنرال مسئله تسلط بر کشور و تسلط بر منابع آن است. این هیچ ارتباطی با آنچه آن‌ها ادعا می‌کنند، ندارد؛ و مسئله‌ی گذار به‌دموکراسی و حفاظت از روند دموکراتیزه شدن کشور بهانه‌ای بیش نیست. این دو ژنرال در 5 دسامبر یک توافق سیاسی رسمی امضا کردند تا براساس آن روندی سیاسی را با هدف نهایی ایجاد یک دولت غیرنظامی و یک شورای دفاع و امنیت آغاز کنند. قرار بر این بود که دولت غیرنظامی باشد، و شورا از ارتش، «نیروهای پشتیبانی سریع» و پلیس تشکیل گردد، و نخست وزیر هم رهبری را به‌عهده بگیرد. آن‌ها همچنین برای پنج حوزه‌ی مختلف مربوط به‌روند گذار، پنج کمیسیون تشکیل دادند. اولی کمیسیون وضعیت موجود، دومی در مورد مشکلات در شرق، سومی مربوط به‌توافق‌نامه‌ی صلح جوبا، چهارمی در مورد عدالت انتقالی، و پنجمی که آخری است، باید به‌مسئله‌ی ارتش و امنیت می‌پرداخت. مهم‌ترین نکته این است که آن‌ها در مورد نکات مربوط به‌توافق‌نامه‌ی [صلح جوبا*](#) و عدالت انتقالی توافق‌نامه‌ای نوشتند که تبرئه جنایات برخی از ژنرال‌ها را از هنگام سرنگونی عمر البشیر (آوریل 2019) تاکنون را دربرمی‌گیرد.

[8] [Juba Peace Agreement - Wikipedia](#)

تا آن‌جا که به‌نیروی دفاعی مربوط می‌شود، اختلاف نظر در مورد مدت زمان برای ادغام «نیروهای پشتیبانی سریع» RSF و ارتش وجود دارد. ژنرال‌های ارتش دو سال را پیش‌نهاد داده‌اند، در حالی که RSF زمان لازم برای انجام این امر را ده سال می‌داند. پیش‌نهاد نماینده غیرنظامی‌ها برای تسهیل روند توافق پنج سال است. سؤال دوم مربوط به‌کمیت‌های است که ناظر بر این ادغام خواهد بود. اما این درگیری‌ها به‌مسئله‌ی ادغام RSF در ارتش ربطی ندارد. این فقط بهانه‌ای در دست هر دو طرف است تا توافق صلح یا راه‌حل سیاسی مورد توافق عملی نشود. درحقیقت موضوع اصلی این است که چه کسی رژیم سودان را کنترل می‌کند و در نهایت کنترل منابع آن را در دست می‌گیرد. این‌جاست که تضاد منافع خودمی‌نمایند. نکته‌ی دیگر این است که هر دو طرف از حمایت سیاسی لازم برخوردارند. RSF از «نیروهای آزادی و تغییر» (FFC) پشتیبانی می‌کند، طرف مقابل از بقایای رژیم سابق حمایت می‌کند که خود را «بلوک دموکراتیک» می‌نامد و اخیراً توسط سرویس اطلاعاتی مصر در قاهره مورد حمایت قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی گروه واگنر، عملاً رژیم پوتین، و امارات عربی پشت RSF ایستاده‌اند. گروه البرهان نیز از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و مصر حمایت می‌شود. واضح است که هدف اصلی ما در حزب کمونیست سودان پایان دادن به‌جنگ، و در عین حال طرح این خواست است که افراد مسئول جنگ باید به‌دادگاه کشیده شوند.

ثانیاً، ما هنوز هم معتقدیم که نیروهای میهن‌پرست دموکراتیک به‌ویژه کمیته‌های مقاومت، اتحادیه‌های کارگری (به‌همراه کمیته‌های اعتصاب)، و نیز نیروهای سیاسی که حزب کمونیست سودان بخشی از آن است، باید کار در زمینه‌ی طراحی جبهه‌ای براساس برنامه‌ی [ای دموکراتیک] را ادامه داده و یک قدرت دموکراتیک غیرنظامی را شکل بدهند.

ما همچنین خواستار حمایت و همبستگی بین‌المللی برای مردم سودان، به‌ویژه از سوی نیروهای دموکراتیک مردمی هستیم تا آن‌ها بتوانند از بحران کنونی عبور کرده و جنگ بین ژنرال‌ها را محکوم کنند و به‌ویژه بتوانند قاتلین مردم را دستگیری کنند.

هم‌اکنون حدود 90 درصد از مردم سودان، از جمله در خارطوم (پایتخت کشور)، در شرایط دشوار و بدون برق و آب زندگی می‌کنند. در چنین وضعیتی بیماران، افراد مسن و همچنین کودکان بیش‌تر در رنج‌اند. مراجعه به‌بیمارستان برای افرادی که در جنگ زخمی می‌شوند، بسیار دشوار است. هلال احمر و اتحادیه صنفی پزشکان از 200 غیرنظامی کشته شده در پایتخت خبر داده‌اند. آتش جنگ در دیگر

مناطق، از جمله دارفور و مِرو نیز شعله‌ور است، به‌همین دلیل ارقام زخمی‌ها و کشته‌ها خیلی بیشتر از این آمارهاست. بیش از 3000 نفر مجروح شده‌اند که جراحت بسیاری از آن‌ها بسیار جدی است. فقدان دارو یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حاکم بر کلیه بیمارستان‌های مناطق آسیب دیده است. بیمارستان‌ها و دیگر مراکز مراقبت‌های بهداشتی از سازمان بهداشت جهانی و کمیته ویژه‌ی سازمان ملل درخواست کمک فوری کرده‌اند. به‌طور کلی، این وضعیتی است که در حال حاضر حاکم بر [زندگی و سرنوشت] مردم سودان است.

درگیری‌های اصلی کجا صورت می‌گیرد؟

در حال حاضر محور اصلی درگیری‌های خارطوم است. علاوه بر خارطوم، پنج تا شش شهر دیگر در آتش جنگ می‌سوزند. اما درگیری اصلی این‌جا در خارطوم صورت می‌گیرد، و اگرچه آن‌ها گاهی اوقات در مورد آتش‌بس در 6، 8 و یا 24 ساعته صحبت می‌کنند، اما این آتش‌بس‌ها هرگز رعایت نمی‌شوند، صداهای شلیک یا انفجار دائم در این‌جا و آن‌جا به‌گوش می‌رسد، و تخریب ساختمان‌ها در سراسر شهر ادامه دارد.

از فتحی می‌پرسم که آیا ارتباطی بین جنگ ژنرال‌ها و این واقعیت که امسال دولت غیرنظامی راه‌اندازی می‌شود، وجود دارد؟ اما قبل از این‌که از من بخواهد سوالم را تکرار کنم، صحبت ما با صدای انفجار قطع می‌شود.

نه، هر دو طرف سندی که تأسیس یک دولت غیرنظامی را اعلام می‌کند، امضا کرده‌اند؛ اما آنچه می‌خواهم به‌آن اشاره کنم این است که بدون توجه به‌همه‌ی صحبت‌های مربوط به‌چارچوب سیاسی و غیره، آن‌ها این سند را به‌دلایل تاکتیکی و دیگر مسائل امضا کرده‌اند؛ اما با وجود همه‌ی این‌ها، اختلاف اساسی همچنان باقی است. تضاد بر سر این است که چه کسی دولت را کنترل می‌کند. در این‌جا صحبت از دو منافع متضاد در میان است: ایالات متحده و دولت بایدن، برخی از بخش‌های دارای نفوذ اتحادیه اروپا و به‌ویژه مصر علاقه‌ی بسیاری به‌انحلال کامل RSF دارند. رژیم پوتین و امارات متحده عربی از طرف مقابل پشتیبانی می‌کنند. آنچه در معرض خطر است، منابع طبیعی این کشور و موقعیت ژئوپلیتیکی آن است. برای مثال، به‌دریای سرخ و امارات متحده عربی و تلاش‌های روسیه برای ایجاد بنادر در سواحل سودان نگاه کنید. این با منافع ایالات متحده و اتحادیه اروپا متناقض است.

ما همچنین سد [ی به‌نام] رنسانس در اتیوپی را داریم، جایی که روسیه و واگنر با اقدامات RSF به‌عنوان پایه اصلی آن‌ها در سودان در کنار اتیوپی قرار می‌گیرند، در حالی که مصر با حمایت از نیروهای البرهان مخالف ساختن این سد در اتیوپی است. مصر یک پایگاه هوایی نظامی در مِرو در شمال سودان و بسیار نزدیک به‌بخش شرقی هم‌مرز با اتیوپی تأسیس کرده است. بنابراین، اگر به‌درستی نگاه کنید، می‌بینید که یک سنتز بین‌المللی و منطقه‌ای منافع در سودان، اتیوپی و به‌طور کلی نسبت به‌منابع و دارایی‌های آفریقا وجود دارد. همچنین می‌بینید که چگونه روسیه سعی می‌کند از طریق واگنر در غرب آفریقا خود را جایگزین فرانسه کند. شما همچنین در مجاورت سودان جمهوری آفریقای مرکزی را دارید که واگنر در آن بسیار فعال است و RSF به‌عنوان نیروهای پشتیبانی‌اش عمل می‌کند.

بنابراین ما با انبوهی از موضوعات مختلف که همه در یک ظرف قرار دارند، روبرو هستیم؛ و این ظرف در حال حاضر سودان است که عرصه اصلی برای رویارویی بین گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد.

این درگیری به‌طور عمده حول محور چه منابعی می‌چرخد.

در درجه اول وضعیت ژئوپلیتیکی سودان به‌عنوان هم‌مرز با مجموعه‌ای از کشورهای مهم استراتژیک و دریای سرخ. این وضعیت سودان را از نظر جغرافیایی متمایز می‌کند. سودان همچنین

سرشار از خاک حاصلخیز است و ذخایر بزرگی از طلا، اورانیوم و مس دارد، که طلا به‌ویژه مبنای نبرد بین RSF و ارتش است.

درحال حاضر حزب کمونیست سودان چگونه با این مسئله برخورد می‌کند؟

ما تاکنون دو بیانیه ارائه داده‌ایم، برای مبنای که ابتدا به‌آتش‌بس نیاز داریم تا جمعیت بتواند جابه‌جا شود، تا خدمات اجتماعی دوباره برقرار گردد، تا وضعیت برق و آب قابل ترمیم شود و در دسترس مردم قرار گیرد. [علاوه بر این] تأمین امنیت جاده‌ها باید توسط اتحادیه‌های کادرهای درمانی کنترل شود تا مجروحان بتوانند به‌مراقبت‌های [درمانی] دسترسی پیدا کنند. این خواست بشردوستانه از جمله آن چیزهایی است که ما نیاز داریم.

از نظر سیاسی، ما به‌نیروهای بیش‌تری برای تغییر اساسی نیاز داریم؛ نیروهایی که خواهان توقف فوری جنگ باشند و خواست و برنامه‌ی جایگزینی یک حکومت دموکراتیک غیرنظامی در کشور را ارائه دهند. این مبتنی بر همکاری و اقدامات متحد بین حزب کمونیست سودان، جنبش مقاومت و جنبش اتحادیه کارگری کشور است.

تأثیر حزب کمونیست در کشور چگونه به‌نظر می‌رسد؟

من نمی‌توانم بگویم که ما نفوذ تعیین‌کننده‌ای داریم. ما تأثیر داریم اما... بیایید آن را به‌روش بهتری بیان کنیم: نیروهای دموکراتیک و به‌ویژه حزب کمونیست سودان و اعضای آن با جنبش مقاومت همکاری می‌کنند. این نیروهایی که من به‌آن‌ها اشاره می‌کنم کسانی هستند که از سال 1989 تا حال حاضر درگیر مبارزه با اخوان‌المسلمین بوده‌اند، این‌ها همچنین کسانی هستند که چهار سال گذشته مقاومت در برابر امپراتوری نظامی را در کشور سازماندهی کرده‌اند. به‌همین دلیل می‌توان گفت که این اتحاد بسیار مهم بوده، اما نمی‌توانیم بگویم که این کار یک سازمان [همه‌جانبه] متحد بوده است.

کمیته‌های مقاومت در طول انقلاب مردمی در سودان وجود داشتند، و موجبات سقوط عمر البشیر در سال

2019 را فراهم آوردند؛ آیا این کمیته‌ها در وضعیت امروز فعال‌اند؟

در 25 اکتبر 2021، ارتش سعی کرد با کودتا، حمایت کل دولت را به‌دست آورد. آن‌ها نتوانستند فراتر از این بروند و این به‌لطف مبارزه جنبش اعتراضی بود که توسط جنبش مقاومت، حزب کمونیست و اتحادیه‌های بزرگ کشور هدایت می‌شود. آن‌ها نتوانستند دولت تشکیل دهند و به‌همین دلیل هم عقب‌نشینی کردند و به‌تلاش برای یافتن راه حل سیاسی در قالب چارچوب توافق‌نامه مجبور شدند که به‌نوبه‌ی خود توسط حزب کمونیست و نیروهای بزرگ سیاسی، به‌ویژه کمیته‌های مقاومت نیز رد شد. این مسیر اصلی ما در حال حاضر است و این احساس وجود دارد که احتمالاً مدتی طول بکشد، اما به‌نفع مردم حل خواهد شد.

به‌نظر شما نتیجه این درگیری در ارتش چه خواهد بود؟

هرکس برنده شود باز هم در نهایت بازنده است. منظور من این است که هر دو طرف در چشم مردم سودان کاملاً بی‌اعتبار شده‌اند. مطلقاً هیچ‌کس به‌جز جیب برخی از سیاستمداران فاسد را چه از این طرف باشد و چه از آن طرف- پشتیبانی نمی‌کند. هرکسی که در رادیو یا تلویزیون صحبت کرده، از هیچ‌یک از طرفین حمایت نکرده است، اما همه خواست پایان فوری جنگ را مطرح کرده‌اند. من به‌شدت شک دارم که کسی از طرفین جنگ در این شرایط، بدون این‌که با دیواری از مقاومت مردم روبرو شود، بتواند غالب شود.

آیا در شرایط فعلی خطرات خاصی مشاهده می‌کنید؟

خطر این‌که رویارویی نظامی ادامه یابد و جان‌های بیش‌تری قربانی این جنگ شود، ضررهای مالی بیش‌تر ادامه یابد... تصور کنید، ما به‌روز پنجم جنگ می‌رویم و مردم تمام تلاش خود را می‌کنند تا در

این وضعیت وحشتناک زنده بمانند. زندگی عادی مردم کاملاً بر باد رفته است. بنابراین، سلامت مردم، امور مالی و به‌طور کلی شرایط زندگی مردم در خطر است.

وظایف اتحادیه‌های کارگری در این موقعیت چیست؟

ما در مورد سرنگونی یک رژیم صحبت می‌کنیم. این کار اصلی است. اتحادیه‌هایی که قبلاً تشکیل شده‌اند و کمیته‌های اعتصاب که در حال تشکیل‌اند، برای ساختن مجامع عمومی کارگران، کشاورزان و متخصصان کار می‌کنند تا ما یک جنبش اتحادیه کاملاً توسعه یافته در کشور داشته باشیم. این امر به‌آمدگی و انجام اعتصاب عمومی سیاسی با هدف سرنگونی رژیم کمک می‌کند. اگر بتوانیم شبکه‌ای را برای اتصال فعالان جنبش اتحادیه‌های کارگری و جنبش مقاومت ایجاد کنیم، این به‌ما کمک می‌کند تا اعتصاب سیاسی و نافرمانی مدنی را برای فلج کردن کشور و بیرون کشیدن قدرت از دست ارتش سازماندهی کنیم. این برنامه‌ی نیروهای مترقی کشور است.

آیا در خاتمه صحبت دیگری دارید؟

بهترین کاری که مردم جهان و مردم سوئد می‌توانند انجام دهند، این است که خواهان پایان فوری این جنگ جاری باشند.